



- گزارش مراسم بزرگداشت استاد زرین کوب در بروجرد
- یادبود هفتمین سالگرد خاموشی سیدمحمدعلی جمالزاده
- در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران
- گزارشی از همایش سالگرد درگذشت دکتر شرفالدین خراسانی

بزرگداشت استاد زرین کوب

در بروجرد

۳۰۶

روزهای ۲۱ و ۲۲ مهر ماه شهرستان بروجرد میزبان علاقمندان و پژوهشگران به منظور بزرگداشت استاد فقید عبدالحسین زرین کوب بود. کنگره بزرگداشت در تالار مجتمع فرهنگی - هنری بروجرد با پیام احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که توسط دکتر محمدجواد حق شناس قرائت شد، آغاز گردید. در بخشی از این پیام آمده است: «دانش گسترده و حسن اخلاق و پایمردی در کسب فضیلت و بسط آن و پرورش دانشجویان مستعد و نیز روش علمی و بینش تاریخی ممتاز و منحصر به فرد اوست که ادب و تاریخ معاصر را از کمبود وجود وی متأثر می سازد.» مهندس سعادت، استاندار لرستان، مهدی ماحوزی، محمدعلی اسلامی ندوشن، دکتر محمدجواد حق شناس، محمد گلبن و دکتر قمر آریان نیز در این مراسم سخنرانی کردند و گوشه ای از خدمات علمی استاد فقید زرین کوب را بازگو نمودند. در پایان مراسم از نویسندگان مقالات برتر تقدیر شد، استاد افشارنیا در این مراسم نی نواخت و موسیقی محلی لری نیز در پایان اجرا شد. در کنار این مراسم نمایشگاهی از آثار و عکسهای زنده یاد زرین کوب برگزار شد. اداره آموزش و پرورش خرم آباد همزمان با برگزاری این کنگره ۲۵۰۰ متر مربع زمین را به نام استاد زرین کوب اهدا کرد تا با نظارت خانواده زرین کوب فرهنگسرای به نام آن استاد بنا شود.

در این مراسم لوح سپاسی از طرف احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در



● دکتر قمر آریان در مراسم بزرگداشت دکتر زرین کوب

۳۰۷

کنگره بزرگداشت دکتر زرین کوب به دکتر قمر آریان، همسر وی اهدا شد. در متن این لوح که به خط استاد نام‌آور خوشنویسی، غلامحسین امیرخانی، نوشته شده، آمده است: به پاس خدمات ارزنده استاد زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب به فرهنگ و ادب ایران اسلامی این لوح سپاس که به مناسبت بزرگداشت آن استاد بزرگوار تهیه شده است به همسر فداکار وی سرکار خانم دکتر قمر آریان که همدلی و همراهی اش در خلق آثار گرانمایه و ماندگار در عرصه تاریخ و فرهنگ و ادب ایران و به حق موثر مستمر بوده، اهدا می‌شود. دکتر محمدجواد حق شناس معاون امور مجلس و امور استان‌های وزارت ارشاد تابلو فروشی را به دکتر قمر آریان اهدا کرد.

متن سخنرانی دکتر قمر آریان در بروجرد

ایام خوش آن بود که با دوست بسز شد
 حضار گرامی، آقایان و خانم‌های عزیز، برای من نهایت خوشوقتی است که دوستان و همشهریان همسر عزیزم را می‌بینم و از الطاف شما بهره‌مند می‌شوم.
 من پیش از آشنائی با همسر نام شهر «بروجرد» را فقط در درس جغرافیا خوانده بودم و هیچ فرد بروجردی هم ندیده بودم. وقتی در تهران با ایشان هم مدرسه شدم، آنقدر صفات والای انسانی در ایشان دیدم که در شگفت شدم که سرزمین لرستان و خاک بروجرد چگونه آب و خاکی

است که چنین افراد نادری را در دامان خود پرورده است.

حضار عزیز همانطور که همه می‌دانیم عظمت ایران برای دارا بودن نفت و گاز و اورانیوم و آهن و امثال آن نیست. فردوسی و خیام و سعدی و حافظ و عطار و مولانا و ابوریحان و ابن‌سینا و صدها بزرگ علم و ادب و عرفان این سرزمین بودند که نام ایران را در تاریخ جهان به عظمت و اعتبار ثبت کرده‌اند.

امروز دکتر زرین‌کوب نیست که شاهد اشتیاق و محبت شما عزیزان باشد. شما در حقیقت این جشن و بزرگداشت را برای عظمت فرهنگ این سرزمین گرفته‌اید.

آنچه عبدالحسین زرین‌کوب به فرهنگ این سرزمین افزود برای هفتاد و چند سال عمر او که وقتی مسافرت‌ها، دید و بازدیدها، رنجورینها، و ساعات خواب و استراحت را از آن کم کنیم، چیز زیادی باقی نمی‌ماند.

او این دقایق باقی مانده را زاهدانه صرف آفرینش آثار خود کرد. آثاری که هر یک از آنها از حیث دقت و عمق در تمام عرصه و فرهنگ انسانی شاهکارهای کم‌نظیری است.

ای کاش امنای این کشور در مقابل اینهمه بنیادهای گوناگون که بعد از انقلاب به وجود آمد، بنیادی هم نظیر «بیت الحکمه» قرون اولیه اسلام ایجاد می‌کردند که کارش انحصاراً در عرصه معنویات بود و با کمک مترجمین لایقی که خوشبختانه در ایران امروز فراوان هستند، آثار ارزنده نویسندگان معاصر را به یکی از زبانهای رایج دنیا ترجمه می‌کردند تا جهانیان بدانند که ما فقط به گذشته پر افتخار خود نمی‌نازیم.

۳۰۸

فی‌المثل اگر کتاب کم حجم «کارنامه اسلام»، که تاکنون بارها و بارها تجدید چاپ شده است، مثلاً به انگلیسی ترجمه می‌شد، خدمات اسلام را چه از نظر علمی، ادبی و هنری و چه از نظر انسانی و اجتماعی به مراتب بیشتر و بی‌غرض‌تر از تمام آثار گروانه بوم و اشپولر و باقی اسلام پژوهان جهان به دنیا معرفی می‌کرد.

من امروز می‌فهمم که چرا در قرون اولیه اسلام، غزالی، ابوریحان، ابوعلی سینا و بسیاری از بزرگان علم و ادب ما آثار مهم خود را به زبان عربی می‌نوشتند. زیرا در دنیای آن روز از کنار اقیانوس اطلس تا سواحل رود سند همه جا ملک اسلام بود و همه زبان عربی می‌دانستند. این کتابها مورد استفاده میلیونها اهل علم قرار می‌گرفت و احیاناً به زبانهای دیگر ترجمه می‌شد.

من می‌خواستم به تشکیلات موقوفه مرحوم افشار - که خدایش بیامرزد تنها موقوفه ایست که بدرستی در راه اعتلای فرهنگ ایران مصرف می‌شود - به آقایان محترم محقق داماد و ایرج افشار پیشنهاد کنم که به جای قالیچه ابریشمی که به خدمتگزاران علم و ادب به رسم سپاسگزاری هدیه می‌فرمایند (به اصطلاح تشکیلاتی فرنگیها فونداسیونی) بوجود آورند که آثار ارزنده فارسی را به یکی از زبانهای رایج دنیا و آثار ارزنده خارجی را که مربوط به تمدن و فرهنگ ما

است به زبان فارسی ترجمه نمایند. به نظرم استمرار این کار برای اجرای نیت واقف مناسب تر و سودمند است.

من بارها گفته‌ام که یکی از آمال من که ای کاش قبل از مرگم جامه عمل بپوشد ترجمه لااقل بعضی از آثار ایشان است آثاری که همه آنها ارزش ترجمه را دارد، البته ترجمه‌ای خوب که شایسته آن آثار باشد.

من اینک این پیشنهاد را به امنای فرهیخته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در اینجا حضور دارند می‌نمایم و امیدوارم که همت والای ایشان کار ساز این مسأله شود.

با تشکر و امتنان از حضار گرامی

همه را به خدا می‌سپارم

